



جعفر سبحانی

انگیزه‌های جبر در مکتب اشاعره

oo

عوامل هدایت و ضلالت

هدایت و ضلالت دو فعل الهی است که شامل حال دو گروه از بسندگان می‌گردد، ولی شمول این دو فعل بر هریک از دو گروه، به آن معنی نیست که بی علت و ملاک گروهی در پوشش هدایت و گروهی دیگر در پوشش ضلالت قرار گیرند، بلکه قرآن در ضمن تقسیم بندگان خدا به هدایت یافته و گمراه عواملی را یادآور می‌شود که ملاک شمول یکی از این دو فعل بر آنها می‌گردد، یعنی بندگان خدا قبلاً فعلی را انجام می‌دهند یا خود را به صفتی توصیف می‌کنند که مایهٔ فرود هدایت یا نزول ضلالت از جانب خدا می‌شود. شناخت عوامل هدایت و ضلالت که همگی در اختیار انسان است راه را برای حل مشکل جبر در مسألهٔ هدایت و ضلالت هموار می‌سازد، ما در این بخش، نخست عوامل هدایت و انگیزه‌های شمول لطف الهی و سپس به علل ضلالت که سبب نزول نعمت و خذلان از جانب خدا می‌شود، اشاره می‌کنیم تا روشن شود این خود انسان است که در سایهٔ یک رشته عوامل اختیاری، خود را در پوشش یکی از این دو فعل قرار می‌دهد. اینک نخست به عوامل هدایت سپس به عوامل ضلالت اشاره می‌کنیم:

عوامل هدایت

از قرآن کریم به روشنی استفاده می‌شود که یک سلسله کارها و یا صفات، بر انگیزنده هدایت و راه‌یابی انسان به مقصد سعادت می‌گردد و ما این عوامل را به صورت فشرده بیان می‌کنیم:

□ ۱ - ایمان و اعتصام به خدا

یکی از عوامل مؤثر در آمادگی انسان برای دریافت هدایت ویژه الهی از دیدگاه قرآن، ایمان به خدا و اعتصام به او است. قرآن در این باره می‌گوید:

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَبِّحُوا لَهُمْ فِي رَحْمَةِ مِنْهُ وَفَضْلِ وَتَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا!

خداوند کسانی را که به او ایمان آورده و اعتصام ورزند (به کتاب و سنت پیامبر او عمل کنند) مشمول فضل و رحمت خود قرار داده و به صراط مستقیم هدایت می‌نماید.

قرآن کریم این عامل را در آیه دیگر نیز بیان کرده و می‌فرماید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهٗ مَخْرَجًا مِّنْهُ وَيُخْرِجْهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ.

آن کسی که به خدا اعتصام ورزد، به صراط مستقیم هدایت شده است.

مقصود از اعتصام به خدا در این آیه پیروی از قرآن و پیامبر گرامی است زیرا در آغاز

آیه چنین آمده است:

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُنَادُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَدْ كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ.

چگونه کفر می‌ورزید در حالی که آیات الهی (قرآن) بر شما تلاوت می‌شود و پیامبر خدا در میان

شما است.

وخطاب در این آیه متوجه مؤمنان است که در آیه قبل نسبت به آنان از جهت پیروی از سخنان و سوسه‌انگیز و گمراه‌کننده یهود، هشدار داده شده است و سرانجام می‌رساند که با وجود آیات خدا و پیامبر گرامی، نباید در فردی از مؤمنان لغزش رخ دهد و در هر حال از این آیات استفاده می‌شود که دو نوع هدایت داریم:

• ۱ - هدایتی که سبب اعتصام به خدا می‌شود.

• ۲ - هدایتی که پس از تحقق اعتصام، انسان در پوشش آن قرار می‌گیرد. سخن در

هدایت نخست نیست، سخن در هدایت دوم است که معلول فعلی از افعال اختیاری انسان

.....

۲ - آل عمران / ۱۰۱.

۱ - النساء / ۱۷۵.

است و اگر بشر جستجوگر آن را به دست آورد، قهراً در پوشش چنین هدایتی فرار می‌گیرد^۳

□ ۲ - ایمان و عمل صالح

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ التَّعِيمِ^۴

خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، به وسیله ایمانشان هدایت می‌کند و در بهشت، نهرها در زیر قدمهایشان جاری می‌گردد.
قرآن در باره اصحاب کهف می‌گوید:

إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى وَوَقَّظْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ...^۵

آنان جوانانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند پس بر هدایتشان افزودیم و دل‌های آنان را قوی و محکم نمودیم.

در این آیات نیز از دو هدایت به صورت ضمنی سخن به میان آمده است:

- ۱ - هدایتی که مایه ایمان و گرایش به خدا شده است.
- ۲ - هدایتی که در پرتو این ایمان، نصیب انسان می‌گردد و عامل آن همان ایمان و کارهای شایسته است که در اختیار همگان قرار دارد.

□ ۳ - پیروی از رضای خدا

فَدَجَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ، وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۶

از جانب خداوند برای شما نور (پیامبر) و کتابی (قرآن) آشکار آمد، خداوند به وسیله آن، کسانی را که رضای او را برگزینند به راه‌های سلامت بخش و سعادت آفرین هدایت می‌کند، و آنان را از تاریکی‌ها بیرون آورده و به وادی نور رهنمون می‌گردد و به راه راست هدایت می‌کند.

در این آیه کریمه، عامل برخوردارگی از هدایت ویژه الهی اصل رضایت خدا و رعایت آن در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، فکری و عملی، قلمداد گردیده است.
و به دیگر سخن: از دو هدایت به طور ضمنی سخن به میان آمده است:

- ۱ - هدایتی که مایه گزینش رضای خدا می‌گردد.
- ۲ - هدایتی که پس از پیروی از رضای خدا، شامل حال انسان می‌گردد و علت هدایت دوم کاملاً یک فعل اختیاری است.

.....

۵ - سوره کهف / ۱۳.

۳ - تفسیر المیزان ج ۴ ص ۳۶۵.

۶ - سوره مائده / ۱۶ - ۱۵.

۴ - سوره یونس / ۹.

□ ۴ - مجاهده در راه خدا

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۷

کسانی را که در راه ما جهاد نمودند به راههای خود هدایت می‌کنیم و خداوند با نیکوکاران است. عامل هدایت در این آیه، جهاد در راه خدا معرفی شده است و چون جهاد به طور مطلق ذکر شده است، هرگونه جهادی را شامل می‌شود جهاد با دشمن درون و یا جهاد با دشمن برون (جهاد اکبر و جهاد اصغر) یک چنین جهاد همه جانبه‌ای انسان را شایسته دریافت هدایت ویژه الهی می‌نماید.

و در این آیه بسان آیات پیشین از دوهدایت سخن به میان آمده است هدایت برانگیزنده جهاد، و هدایتی که پس از جهاد به انسان دست می‌دهد.

□ ۵ - انابه و تضرع به سوی خدا

اللَّهُ يَهْدِي لِي سُبُلِي وَإِنِّي لَأَكْفُرُ بِالْشُرَكَاءِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِي سُبُلِي وَإِنِّي لَأَكْفُرُ بِالْشُرَكَاءِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِي سُبُلِي وَإِنِّي لَأَكْفُرُ بِالْشُرَكَاءِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِي سُبُلِي

خداوند هرکس را بخواهد برای خود برمی‌گزیند و کسانی را که به درگاه او انابه و تضرع می‌نمایند به سوی خود هدایت می‌کند.

و در آیه دیگر چنین می‌فرماید:

وَقَوْلِ الْكَافِرِينَ لَوْلَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ آيَاتِنَا مِن رَّبِّكَ قُلْ إِنَّا لَنُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَنُحِبُّهُ وَنُحِبُّهُ وَنُحِبُّهُ وَنُحِبُّهُ

آنَابُ!

کافران می‌گویند چرا از سوی پروردگار آیه‌ای بر پیامبر نازل نگردید (تا ما ایمان آورده، هدایت شویم) به آنان بگو خداوند هرکس را می‌خواهد گمراه می‌کند و هرکس را که به سوی او توجه و تضرع نماید، هدایت می‌کند.

این آیه را می‌توان از گویاترین آیات قرآن در مسأله هدایت و ضلالت بشمار آورد، که نظر واقعی قرآن را درباره این مسأله به روشنی بیان می‌کند و یادآور می‌شود که هرگز خداوند حکیم بدون ملاک و آمادگی قبلی انسان، از طریق به کار بستن یک سلسله عواملی که کاملاً در اختیار او است گمراهی یا هدایت کسی را اراده نمی‌کند.

برای روشن شدن این مطلب به توضیح بیشتری پیرامون آیه می‌پردازیم:

گویا کافران، قرآن مجید را معجزه و دلیل کافی بر درستی مدعای پیامبر نمی‌دانستند و چنین وانمود می‌کردند که خواستار هدایت به سوی پروردگار می‌باشند ولی مشروط بر اینکه

.....

۹ - سورة رعد / ۲۷.

۸ - سورة شوری / ۱۳.

۷ - سورة عنكبوت / ۶۹.

آیت و معجزه ای غیر از قرآن از جانب خدا بر پیامبر نازل گردد.

از آنجا که این سخن بی مایه، جزیک بهانه جوئی مغرضانه بیش نبود، خداوند پیامبر را به پاسخگویی قاطع در برابر آنان دستور داد، تا به آنان بگوید: گمراهی و هدایت انسان وابسته به خواست و مشیت آفریدگار هستی است و اگر او هدایت کسی را اراده نکند، هیچ معجزه ای موجب هدایت او نمی‌گردد ولی از آنجا که این پاسخ برانگیزنده پرسش دیگری است و آن اینکه آیا مشیت و خواست خدا گزاف و بی ملاک است؟ می‌فرماید:

وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ يَعْنِي كَسَانِي كَمَا خَوَّاهِي وَغُرُورًا كَنَارًا بِيْغْذَارُنْدَ وَحَالَت تَّوْجِهَ وَتَضَرَّعَ بِهٖ سُوِيْ خُدَا دَر اَنَانِ بَهٗ وُجُوْد اَيْد وَبَدِيْن وَسِيْلَهٗ اَمَادَهٗ دَرِيَاْفَت هِدَايْتِ اَلِهِيْ كَرْدُنْدَ، مَشْمُوْل لَطْف وَرَحْمَتِ اَوْ كَرْدِيْدَهٗ وَبِهٖ وَاْدِيْ نُوْر وَهِدَايْتِ قَدَمِ مِيْ كَزَارُنْدَ، دَر غَيْرِ اِيْن صُوْرَتِ مَعْجَزَاتِ پِيَاْمِبْرَانِ وَپِنْدِ وَانْدَرزَهَايْ اَنَانِ هِيْجِ سُوْدِيْ بَرَايْ اَنَانِ نِدَارْدُوْ مَوْجِبِ هِدَايْتِ اَنَهَا نَمِيْ شُوْد زِيْرَا دَلِ اَنَانِ اَز يَادِ خُدَا بَرْتَاْفَتَهٗ وَخُوْدخَوَاھِيْ وَفُرُوْرَفْتِكِيْ دَر تَمَايَلَاتِ مَادِيْ كُوْشِ وَچَشْمِ اَنَانِ رَا پُوْشَانْدَهٗ اسْت. ۱۰

و در هر حال باز در این آیه به طور ضمنی از دو هدایت سخن به میان آمده است هدایتی که آفریننده توجه و انابه و تضرع به درگاه الهی است، هدایتی که در پرتو این حالت به انسان دست می‌دهد و عامل هدایت دوم کاملاً در اختیار انسان است.

اینها نمونه‌های روشنی از عوامل برخورداری انسان از هدایت ویژه الهی و کمال انسانی است که قرآن بیان کرده است و از نظر برخی صاحب نظران، عوامل دیگری نیز وجود دارد که ما به خاطر رعایت اختصار و هم به خاطر ابهاماتی که از نظر ما در آن موارد به چشم می‌خورد از ذکر آنها خودداری نمودیم. ۱۱

گمراهان و عوامل گمراهی آنان ☒☒

آشنایی با هدایت یافتگان و عوامل هدایت آنان، روشنگر مسئله گمراهان و عوامل گمراهی آنان نیز می‌باشد زیرا ضلالت، نقطه مقابل هدایت می‌باشد بنابراین هر اندیشه و اخلاق و رفتاری که برخلاف اندیشه و اخلاق و رفتار هدایت یافتگان باشد، عامل ضلالت و گمراهی انسان خواهد بود ولی از آنجا که در بسیاری از آیات قرآن به طور صریح گمراهان و عوامل گمراهی آنان یادآوری شده است، نمونه‌هایی از این آیات را در این جا یادآور

.....

۱۰ - به میزان ج ۱۱ ص ۳۵۲ رجوع شود.

۱۱ - به آیات ۳ تا ۵ و ۱۵۵ و ۱۵۶ بقره، ۲ تا ۵ لقمان، ۸۳ انعام، ۱۷ زمر و تفسیر میزان پیرامون این آیات رجوع شود.

می شویم:

□ ۱ - پیوند دوستی با دشمنان خدا

پیوند دوستی با دشمنان خدا و پیامبر، یکی از عوامل گمراهی از راه راست و نومیدی از هدایت خاص الهی می باشد قرآن مجید در این باره چنین می گوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْفُؤْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِنَّا لَكُمُ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُخْرَجُونَ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَإِنَّا نَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.^{۱۲}

ای کسانی که ایمان آورده اید دشمنان من و خود را دوست خود قرار ندهید، چگونه با آنان پیوند دوستی و مودت برقرار می کنید در حالی که به قوانین الهی که برای شما آمده است کفر ورزیده اند، پیامبر و شما را به خاطر اینکه به خدا ایمان آورده اید از مگه بیرون می کنند، اگر برای جهاد در راه خدا و به دست آوردن رضایت او بیرون آمده اید (از این کار اجتناب نمایند) شما پنهانی با آنان طرح دوستی می ریزید در حالی که من به آنچه به طور پنهانی یا آشکار از شما سر می زند آگاهم، (باید بدانید که) هر کس با دشمنان خدا (پنهان یا آشکار) رابطه دوستی برقرار نماید از راه راست منحرف و گمراه گردیده است.

نکته قابل توجه این است که مخاطب در این آیه، کسانی هستند که به خدا ایمان آورده اند، و از هدایت فطری و تشریحی بهره مند گردیده اند. ولی چون از تقوی و توکل لازم برخوردار نیستند به خاطر پاره ای از ملاحظات ظاهری به طور پنهان با دشمنان خدا (کفار و مشرکان قریش) رابطه دوستی برقرار نموده اند و به این جهت از هدایت ویژه الهی محروم می باشند.

در این آیه، ضلالت و گمراهی در مقابل هدایت فطری و تشریحی نیست، بلکه در مقابل هدایت دوم است که پس از هدایت نخست، به خاطر یک رشته افعال و اوصاف، نصیب مؤمنان می گردد ولی گروه یاد شده در آیه به خاطر فقدان ملاک از آن محروم شده اند.

□ ۲ - شرک به خدا

در بسیاری از آیات قرآن، شرک به خدا و انکار مبانی اعتقادی مانند توحید، نبوت و معاد، به عنوان عامل ضلالت و گمراهی قلمداد گردیده است و اینک نمونه هائی از این آیات:

وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا.^{۱۳}

هر کس به خدا شرک ورزد هر آینه به گمراهی سختی مبتلا گردیده است.

.....

۱۳ - سورة نساء / ۱۱۶.

۱۲ - سورة ممتحنه / ۱.

وَمَنْ يَتَّبِدِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۱۴

آن کس که کفر را با ایمان مبادله نماید و آن را بر ایمان برگریند از راه راست گمراه گردیده است.

وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۱۵

هر کس خدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران الهی و روز قیامت را انکار نماید به ضلالت و گمراهی دوری دچار شده است.

□ ۳ - عصیان و نافرمانی خدا و پیامبر(ص)

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ۱۶

آن کس که خدا و پیامبر او را نافرمانی نماید به ضلالت و گمراهی آشکار گرفتار شده است.

□ ۴ - بدعت گذاری در دین

قَدْ خَيْرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا

وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۱۷

آنان که فرزندان خود را از روی نادانی به قتل رساندند و آنچه را خدا برای تأمین نیازهای زندگی آنها آفریده است به خود حرام کردند و حرمت آن را به خدا نسبت دادند زیان کار بوده و از طریق هدایت گمراه گردیدند.

این آیه به گروههایی از مشرکان نظر دارد که دست به عمل بسیار زشت فرزند کشی می زدند و درباره نعمت های الهی و بخصوص برخی از حیوانات نظر خاصی داشتند، استفاده از برخی از آنها را حرام می دانستند و درباره برخی دیگر میان مردان و زنان تبعیض قائل می شدند و این برنامه های خود ساخته را به خدا نسبت می دادند^{۱۸}.
به هر حال بدعت گذاری در دین از جمله عوامل گمراهی و ضلالت بشمار آمده است.

□ ۵ - پیروی از سردمداران تباهی و استکبار

دوزخیان در روز قیامت می گویند: ای کاش از خدا و پیامبر او پیروی کرده بودیم

آنگاه عامل گمراهی خود را چنین بازگویی کنند:

رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا ۱۹

.....

۱۸ - صافات / ۱۴۹ - ۱۵۸

۱۶ - سورة احزاب / ۳۶

۱۴ - سورة بقره / ۱۰۸

۱۹ - سورة احزاب / ۶۷

۱۷ - سورة انعام / ۱۴۰

۱۵ - سورة نساء / ۱۳۶

پروردگارا ما از بزرگان و سران (قوم و گروه) خود پیروی کردیم و آنان ما را از راه راست گمراه ساختند.

□ ۶ - محاسبات و معادلات بی اساس

یکی از عوامل ضلالت و گمراهی آنانی که از راه راست منحرف می‌گردند و از قبول حق امتناع می‌ورزند، محاسبات و معادلات پنداری و موهوم آنان است که برای ارزیابی حق و باطل، یک سلسله معیارها و معادلات پنداری را در نظر گرفته و در نتیجه به ورطه هولناک ضلالت سقوط می‌نمایند، قرآن کریم طرز فکر و ارزیابی‌های نادرست مشرکان و منکران نبوت و معاد را در آیات بسیاری بازگو کرده است آنان برای خدا صفاتی مانند آنچه در مورد انسان صادق است قائل بودند، خدا را دارای فرزند، و ملائکه را دختران خدا می‌دانستند خداوند به طور کلی در رد این نوع اندیشه‌های غلط و ناروا می‌فرماید:

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{۲۰}

خداوند را ندانسته توصیف نکنید، خدا دانا است و شماها نمی‌دانید.

یک چنین ارزیابی، مخصوص مقام ربوبی نبوده بلکه مقام نبوت و رسالت را نیز با معیارهای نادرست خود ارزیابی کرده و می‌گفتند:

چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود چرا فرشته برای ترساندن مردم همراه با او فرستاده نشده است؟ چرا خداوند برای او گنجی و یا باغی (از انواع میوه‌ها) نیافریده است تا بدون زحمت از آن بخورد و به پیروان پیامبر می‌گفتند: شما از مردی که جادو شده است پیروی می‌کنید^{۲۱}.

و درباره معاد می‌گفتند:

آیا پس از آن که بدن‌های ما در درون خاک به صورت استخوانهایی پوسیده در آمد

دوباره خلقت جدید خواهیم داشت؟^{۲۲}

قرآن کریم در همه این موارد به آنان پاسخ داده و یکی از پاسخ‌های قرآن در تمام این موارد این است که این سخنان بی‌مایه و صفات پنداری که برای خدا و پیامبر در نظر گرفته اند هیچ ارزش منطقی نداشته و عامل ضلالت و گمراهی آنان گشته است.

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا^{۲۳}

بنگر چگونه ترا توصیف می‌کنند، گمراه شدند و راه نمی‌یابند.

.....

۲۲ - سوره اسراء / ۴۹.

۲۰ - سوره نحل / ۷۴.

۲۳ - سوره اسراء / ۴۸.

۲۱ - سوره فرقان / ۷-۹.

□ ۷ - دل‌بستگی به زندگی مادی

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ^{۲۴}

کسانی که زندگی دنیا را بر حیات اخروی برگزیده‌اند راه خدا را بر خود و دیگران مسدود می‌کنند، و در آن ایجاد اعوجاج و انحراف می‌نمایند، در گمراهی و ضلالت دوری می‌باشند.

□ ۸ - کتمان حقائق

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ^{۲۵}

آنان که برای رسیدن به منافعی اندک، حقائق الهی را کتمان می‌کنند در حقیقت چیزی غیر از آتش نمی‌خورند، و روز قیامت خداوند با آنان سخن نمی‌گوید و آنها را تزکیه نمی‌نماید و برای آنان عذابی دردناک است، آنان کسانی هستند که گمراهی و عذاب الهی را خریده‌اند و از هدایت و مغفرت خداوند محروم گردیده‌اند پس چه چیز آنان را به تحمل آتش (خشم خداوند) وادار کرده است؟

این آیات به دانشمندان یهود نظر دارد که با اینکه به اوصاف پیامبر اسلام (ص) و یا قوانین الهی کاملاً آگاه بودند و حلال و حرام آن را می‌دانستند لکن برای امیال پست مادی از بیان آن خودداری می‌کردند و بدین طریق راه ضلالت و گمراهی را برگزیده، خود را از هدایت خاص الهی محروم می‌ساختند.

نکته جالب توجه این که گمراهی این گروه با کلمه اشتراء (در خریدن و مبادله کردن) تعبیر آورده شده است که بیانگر آزادی و اختیار آنها در هدایت و یا گمراهی خود می‌باشد.

□ ۹ - نفاق و دورویی

خدا در آغاز سوره بقره منافقان را با اوصاف گوناگونی معرفی کرده است مانند.

۱ - دروغگویی؛

۲ - خدعه و حيله؛

۳ - سفاهت و بی‌خردی؛

۴ - افساد و تبه‌کاری؛

.....

۲۴ - سوره ابراهیم / ۳.

۲۵ - سوره بقره / ۱۷۵ - ۱۷۴.

۵ - نفاق و دورویی .

آنگاه می فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۲۶

آنان گمراهی را خریدند و هدایت را از دست دادند و تجارت آنها سود نکرد و از دریافت هدایت

خاص الهی محروم شدند.

منافقان برای نیل به مقاصد پست دنیوی بجای آنکه برای آماده ساختن خود برای دریافت هدایت خاص الهی، صداقت و خیرخواهی، اصلاح و سازندگی و اخلاص و خردمندی را شیوه خود سازند، به کارهای نادرست و صفات ناپسند روی آوردند و در نتیجه به جای آنکه در مقابل سرمایه گرانبهای عمر خویش، هدایت را خریداری کنند، گمراهی و ضلالت را خریدند.

□ ۱۰ - هم نشینی و رفاقت با افراد ناشایسته

از آنجا که روز قیامت پرده ها کنار زده می شود و هر چیزی چهره واقعی خود را نمایان می سازد **يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ** و گمراهان از هدایت یافتگان، و ظالمان از صالحان و عدالت خواهان باز شناخته می شوند و هرکس نتایج اعمال خود را مشاهده می کند، ظالمان و ستمگران از مشاهده کردن سرانجام تلخ و نکبت بار خود به شدت نگران شده و از شدت ناراحتی دست خود را به دندان می گزند و می گویند:

يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَئِن لَّمْ أَتَخَذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّتْني عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا ۲۷

ای کاش با پیامبر خدا همراه می شدم، وای بر من ای کاش با فلان فرد ناشایسته رفاقت و دوستی نمی کردم، او مرا از راه قرآن که برای هدایت من نازل شده بود، گمراه ساخت و شیطان دشمن انسان می باشد.

از آیات یادشده به روشنی به دست می آید که گمراهی انسان نیز مانند هدایت او معلول عوامل خاصی است و از طرز فکر و نوع برخورد او با حق، و آرمانهای متعالی الهی انسانی مایه می گیرد، و قدرت و اراده او در تحقق این عوامل نقش مهم و کارسازی دارد.



ادامه دارد

.....

۲۷ - سوره فرقان / ۲۹ - ۲۷ .

۲۶ - سوره بقره / ۱۶ .